

فمینیسم و زیبایی شناسی

زن در تحلیل‌ها و دیدگاه‌های زیبایی‌شناختی

نویسنده:

کارولین گروس میر

مترجم:

افشنگ مقصودی



نشر گل‌آذین

۱۳۹۷

فهرست

۹	فهرست نگاره‌ها [تابلوهای نقاشی]
۱۱	در باره‌ی کتاب
۱۳	پیش‌گفتار
۳۱	۱. هنرمندان و هنر:
۳۱	تاریخچه کوتاهی از مفهوما
۳۳	بنیادهای مفهومی
۴۰	ایده‌ی هنرمند: پیشینیان باستانی [انگاشت هنرمند از دید پیشینیان]
۴۵	تقلیدگری پندار و واقعیت
۴۹	در اندیشه آفرینندگی فرو رفتن
۵۴	ساخت هنر: تکی و گروهی
۵۹	هنرهای زیبا و انگاشت امروزی از هنرمند
۶۶	نبوغ (توانایی سرشتی)
۷۱	تئوری‌های بیان در هنر
۷۷	چکیده

۱۶۴	بازنگری گذشته
۱۶۶	چکیده
۱۶۹	۴. جنسیت‌گرایی پنهان
۱۶۹	خوراک و بازشناسی زیبایی
۱۷۲	حس‌های پنج‌گانه
۱۷۹	خوشی حسی و زیبایی‌شناختی
۱۸۵	نگرش درونی و بیرونی
۱۹۱	در پشتیبانی از حس چشایی
۱۹۶	خوراک همچون هنر
۱۹۶	آیا آشپزی فرمی هنری است؟
۲۰۰	خوراک در هنر
۲۰۲	خوراک به سان ابزاری هنری
۲۰۵	چکیده
۲۰۷	۵. هنر چیست؟
۲۱۷	تعریف‌ها و زمینه‌های آن
۲۲۵	هنر و ضد هنر
۲۲۸	تئوری نهادین
۲۳۱	هنر به سان آینه: آرتور دانتو
۲۳۴	هنر فمینیستی و دگرگونی انگاشت‌های هنری
۲۳۸	رسانه‌ی هنری و پیام: پارچه و خوراک

۸۱	۲. خوشی‌های (لذت‌های) زیبایی‌شناختی
۸۲	زیبایی‌شناختی
۸۷	ذوق و پسند و زیبایی
۹۱	دیدگاه برک درباره‌ی زیبایی
۹۵	دیدگاه کانت درباره‌ی داوری‌های زیبایی‌شناختی
۹۹	ذوق و پسند چه کسی؟
۱۰۴	تئوری‌های نگرش زیبایی‌شناسانه
۱۰۹	خرده‌گیری فمینیست‌ها از بینش زیبایی‌شناختی
۱۲۱	چکیده
۱۲۳	۳. آماتورها و حرفه‌ای‌ها
۱۲۴	آموزش و پرورش: چه کسی می‌آموزد؟
۱۲۷	موسیقی
۱۲۹	برگزاری موسیقی
۱۳۴	آهنگ‌سازی
۱۳۶	نبوغ و ذهن‌گرایی
۱۴۱	ادبیات
۱۴۶	نوشتن و فروختن
۱۴۹	باز هم ذهن‌گرایی
۱۵۱	نگارگری (نقاشی)
۱۵۳	دیدن
۱۵۷	ژرف‌نمایی خطی

۲۴۵ اندام هنرمندان
۲۵۲ چکیده

۶. خوشی‌های دشوار: والایی و بیزاری ۲۵۵

۲۵۸ بازبینی ذهن و بدن
۲۶۲ باز هم والایی
۲۷۶ لوسی آیریگاری: بازگویی ذهن زنانه
۲۸۳ بیزاری همچون واکنشی زیبایی‌شناسانه
۲۸۸ بیزاری و یگانگی با مادر: جولیا کریستوا
۲۹۴ بیزاری: متن و چندمعنایی آن
۲۹۸ چکیده

..... ۳۰۱ واژه‌نامه (انگلیسی به فارسی)

..... ۳۱۳ واژه‌نامه (فارسی به انگلیسی)

..... ۳۲۵ نمایه

..... ۳۲۹ کتاب‌شناسی

هنرمندان و هنر

تاریخچه کوتاهی از مفهوما^۱

هنر چیست؟ هنرمند کیست؟ هر مفهوم از دید مفهوم دیگر تعریف می‌شود: اینکه چه کسی را هنرمند می‌شمارند تا اندازه‌ای به آنچه پدید می‌آید بستگی دارد و اینکه آیا فرآورده‌ای اثری هنری است تا اندازه‌ای بستگی به آن دارد که چه کسی آن را آفریده است. بیایید با بررسی مفهوم آفریننده هنر آغاز کنیم: هنرمند کسی است که هنری را می‌سازد، خواه آن هنر شعر، نگارگری، موسیقی، ساختمان، پیکره‌سازی یا رقص باشد. بی‌گمان، با فهرست کردن این هنرهای ویژه، من درباره حد و مرزهای گفتگو از پیش، داوری کرده‌ام. چون اگر کسی را که روتختی می‌دوزد یا عکس‌ها را کنار هم می‌چیند یا کیک عروسی درست می‌کند؛ یا کسی که نخ می‌ریسد یا بافنده یا کوزه‌گر است؛ یا کسی که در شیشه می‌دمد یا مبلمان می‌سازد یا شیرازه‌بند و جلدساز کتاب است را هم در شمار می‌آوردم پاسخ‌ها گوناگون و نایکسان می‌بود. همان‌گونه که در روند این بخش خواهیم دید، کیستی برخی از کسانی که هنرمند به شمار می‌آیند با دگرگونی در رده‌ی چیزهایی که اثر هنری به شمار می‌روند در طول تاریخ دگرگون می‌شود.

نگرش امروزی درباره هنرمند از ایده‌های خود - بیانگری^۱، خیال‌پردازی^۲ و آفرینندگی جدا نیست، همه اینها گونه‌ی ویژه‌ای از آزادی را در بردارند که هنرمندان با آن سازگارند. امروزه، بیشتر هنرمند را از تبار روان آزاد می‌دانند یک ناهمگان‌گرا، رها از قراردادهای اجتماعی و گریزان از قانون‌های خشک و بی‌روح. در بهترین گونه خود، این آزادی شاید نشانه نبوغ باشد، هر چند تازگی و نوآوری این نبوغ تا گذر زمان به آن رای ندهد به درستی دریافت نمی‌شود. پس، هنرمندانی با این ویژگی را بیشتر چهره‌هایی به طرز رمانتیکی تنها و جدا افتاده می‌انگارند. در این بخش سرآغاز و چهارچوب مفهومی که این انگاره مردم‌پسندانه هنرمند را پشتیبانی می‌کند به پرسش گرفته می‌شود تا روشن سازد که چرا چنین شمار اندکی از زنان در فهرست هنرمندان بزرگ جای دارند. اگر راستش را بخواهید، به ویژه در برخی از دوره‌های تاریخی، حتی پنداشت زنانی که در انگاره هنرمند خودگردان بگنجد که فقط برای آفرینش‌گری چیزی را بیافرینند، سخت بود. چرا این‌گونه بوده و این پدیده درباره نقش جنسیت‌گرایی در انگاشت آفرینندگی چه می‌گوید؟

تاریخ‌نویسان درباره الگوهای بیرون راندن که، در روزگاری بس دراز در گذشته، کمابیش همه زنان را از در آمدن به رشته‌هایی مانند نگارگری، پیکره‌سازی یا آهنگ‌سازی بازداشته و جلوی پیشرفت و به رسمیت شناختن آنها را در رشته‌های دیگری مانند ادبیات هم گرفته است پژوهش چشم‌گیری انجام داده‌اند. هر چند رویکرد کنونی ما فقط بر تاریخ آموزشِ پردرگر و کنارگذار یا سدهای اجتماعی نیست؛ اینها رویه‌های پیش‌آیندی هستند که با گذشت زمان و از روی ناگزیری، بسته به وضع و حال و روزگار

دگرگون می‌شوند. به جای آن، ما به سرشت خود مفهوم‌ها که فلسفه هنر و هنجارهای زیبایی‌شناختی را شکل می‌دهد، به چهارچوب‌های تئوریک که بر رویه اجتماعی اثر می‌گذارند دل بستگی داریم. در اینجا هم فرق‌گذاری جنسی و انگاشت‌های سرسختانه «زنانگی» و «مردانگی» را در کار می‌بینیم.

بنیادهای مفهومی^۱

این بررسی درباره شیوه‌هایی که جنسیت‌گرایی در زیبایی‌شناسی کارگر است به پیش درآمدی نیاز دارد: بازنگری در انگارش‌های بنیادین درباره سرشت بشری و درباره آن چه دستاوردهای فرهنگی و شهری‌گری را انجام‌شدنی می‌سازد. هنر پدیدهای است که سازه‌های چشم‌گیر فرهنگی را در بردارد و بهترین آن گرفته می‌شود تا باریک‌اندیشی و درون‌بینی در زندگی بشری و معنای آن را نشان دهد. آن مردمانی که هنر ژرف با ارزش پایدار می‌آفرینند، خواه طنزآمیز، دشواریاب^۲، اندوهبار (تراژیک)، شورانگیز، شادی‌آور یا زیبا، ارج ویژه‌ای دریافت می‌کنند و پنداشته می‌شود که آنها نماینده سطحی والا و دشوار از دستاوردهای بشری هستند. مفهوم هنرمند - آفریننده بر پایه باورهایی درباره اینکه چه ویژگی‌های بشری به آنان توانایی رسیدن به والاترین سطح دستاوردهای فرهنگی را می‌دهد استوار است؛ برابر با سنتی ارجمند و پذیرفته، خردمندی^۳ توان بنیادین ذهنی است که روی هم رفته زمینه را برای دستاوردهای بشری آماده می‌سازد. دیدگاه‌های فمینیستی درباره خرد و خردمندی به همه رشته‌های فلسفه کشیده شده هر چند در رشته زیبایی‌شناسی کمتر از آن چه ممکن است باشد آورده

1 . conceptual foundations.

2 . taxing.

3 . rationality.

1 . self-expression.

2 . imagination.